

Nosrat Abad Espi Gate Sistan

Maryam Ebrahimi 

¹ Assistant Professor, University of Applied Sciences, Department of Culture and Arts, Tehran, Iran: m.ebrahimi@uast.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	Research in geographical names or "toponymy" research and the study of the reasons for naming places reveal different angles of a period of historical monuments for historians as well as geographers. Geographical names can be considered as living history because they have a historical background. Naturally, each naming is given a place for a reason or causes and can help researchers understand issues and clarify some ambiguities. Geographical names can indicate worldview, beliefs, culture, tastes, interests, aspirations, communication position, economic, military, historical event, or the like. Because geographical names change over time and their pronunciation and spelling may change, toponymy research can be used to research the original name and the scope of its changes. One of the most important settlements in the desert of Iran, which was once considered the only desert city and the passage of many world travelers, is the settlement of Nosrat Abad Espi, whose name has changed over the centuries and eras.
Article history:	
Received: 27March2021	
Received in revised form: 18July 2021	
Accepted: 10 August 2021	
Published online: 23October2021	
Keywords: Geography, History, Iran, Sistan, Nosrat Ebad Aspi.	

Cite this article: Ebrahimi., Maryam., (2021). Nosrat Abad Espi Gate Sistan. *Journal of Historical Researches of Iran and Islam*, vol 15No29, Pges-1-21. DOI: 10.22111/jhr.2021.35303.2886



© The Author(s). Maryam Ebrahimi

Publisher: University of Sistan and

DOI: [10.22111/JHR.2021.35303.2886](https://doi.org/10.22111/JHR.2021.35303.2886)

نصرت‌آباد اسپه در بند سیستان

مریم ابراهیمی^۱

۱. استادیار دانشگاه جامع علمی کاربردی، گروه فرهنگ و هنر، تهران، ایران: m.ebrahimi@uast.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	پژوهش در نام‌های جغرافیایی و یا تحقیقات «توپونومی» (toponym) و بررسی علل نام‌گذاری مکان‌ها زوایای مختلفی از یک دوره یا دوره‌های تاریخی را برای مورخان و نیز جغرافی‌دانان آشکار می‌سازد. نام‌های جغرافیایی چون دارای سابقه و پیشینه تاریخی هستند می‌تواند تاریخ زنده محسوب شوند. طبعاً هر نام‌گذاری بنا بر علت و یا علی بر یک مکان نهاده شده است و می‌تواند به محققان در فهم مسائل و روشن شدن برخی از ابهامات کمک نماید. نام‌های جغرافیایی می‌تواند نشانگر جهان‌بینی، اعتقادات، فرهنگ، سلاقی، علایق، آرزو، موقعیت ارتباطی، اقتصادی، نظامی، وقوع یک واقعه تاریخی و یا مواردی از این قبیل باشد. از آنجاکه نام‌های جغرافیایی با گذر زمان تغییر می‌یابند و ممکن است در شکل تلفظ و نوشتن آن‌ها نیز تغییر ایجاد شود، با کمک تحقیقات توپونومی می‌توان برای تحقیق پیرامون نام اصلی و دامنه تغییرات آن تلاش نمود. یکی از آبادی‌های مهم در کویر ایران که روزگاری "تنها شهر کویر" محسوب می‌شده و معبر عبور بسیاری از جهانگشایان بوده است؛ آبادی نصرت‌آباد اسپه است که نام آن در طی قرون و اعصار دستخوش تغییر گردیده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۷	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۴/۲۷	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۹	
واژه‌های کلیدی: جغرافیا، تاریخ، ایران، بلوچستان، نصرت‌آباد اسپه	

استناد: ابراهیمی، مریم (۱۴۰۱). نصرت‌آباد اسپه در بند سیستان. پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۱۵، ش ۲۹، صص ۲۱-۱

Doi: 10.22111/jhr.2021.35303.2886

© نویسندگان. مریم ابراهیمی

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان



مقدمه

اتیمولوژی یا ریشه‌شناسی یا واژه‌پژوهی و علم اشتقاق عبارت از علمی است که به مطالعه تاریخی اسامی و واژه‌ها و چگونگی تحول شکلی واژه‌ها می‌پردازد، ریشه‌شناسی بر اصول درست آواشناختی و معناشناسی استوار است و به دنبال آن است که درست‌ترین واژه را آشکار سازد این عمل را در قدیم وجه‌تسمیه یا وجه اشتقاق می‌گفتند که منظور ریشه‌شناسی است. (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۵۷) آبادی به نام اسپ از جمله آبادی‌های مهمی بوده که بر سر راه کرمان و سیستان و بلوچستان در منطقه بیابانی قرار داشته و با اهمیت سوق‌الجیشی و بازرگانی فوق‌العاده‌ای مسیر کاروان‌ها و لشکرکشی‌های بسیاری از شرق ایران به غرب و بلعکس بوده است. در قدیم راه‌های زمینی نسبت به امروز از اهمیت بیشتری برخوردار بود؛ زیرا راه هوایی وجود نداشت و از طریق راه‌های خشکی ارتباط و دسترسی به راه‌های دریایی ممکن می‌گشت، بنابراین بسیاری از مبادلات و دادوستدها از راه‌های زمینی صورت می‌پذیرفت. آبادی و راه اسپ نیز مهم تلاقی راه‌های زیادی بود، از جمله راه‌های شرق و غرب ایران را به یکدیگر متصل می‌ساخت و راه‌های دیگری نیز به آن می‌پیوست راه کشیت در لوت زنگی احمد و راه بم - دارستان نیز به راه اسپ متصل می‌شد. راهی از ریگان و راهی دیگر از نرماشیر و فهرج و بم به اسپ می‌رسید یعنی مسافر ایران مرکزی و غربی پس از عبور از این جاده، به اسپ می‌رسید و با گذشتن از بیابان‌هایی به دزدآب (سید سجادی، ۱۳۷۴: ۶۵) و یا از راهی دیگر از اینجا به سیستان وارد می‌شد و می‌توانست به سرزمین‌های افغان‌نشین و شبه‌قاره هند وارد شود. شاخه راه‌هایی نیز از طریق بلوچستان وجود داشت که منتهی و متصل به سواحل دریایی مکران و هند می‌شد. این راه ایران غربی را به هند و چین متصل می‌ساخت و یکی از راه‌های مهم جاده ادویه محسوب می‌گردید که با نواحی پسابندری مانند جیرفت و لارستان و بنادری مانند بندر گمبرون (بندرعباس) نیز متصل و ارتباط داشت. این مسیر همان راه ادویه‌ای است که از هند می‌آمد و از قدیم‌الایام مورد توجه جغرافی‌دانان و مورخان و فاتحان بوده است. راه اسپ علاوه بر اهمیت و موقعیت ارتباطی تجاری در لشکرکشی‌ها نیز مورد توجه و دارای اهمیت سوق‌الجیشی بوده است، لشکرهای بسیاری از راه

اسپی عبور کرده‌اند. به این خاطر این آبادی مورد توجه جغرافی‌نویسان قرار گرفته و در کتاب‌های بسیاری و با واژه‌ای متفاوت از آن یاد شده است.

سؤال اصلی پژوهش آن است که با توجه به تغییراتی که نام‌های جغرافیایی می‌یابند، نام اسپی چه تغییراتی یافته و وجه تسمیه آنچه بوده است؟ این آبادی چه نقشی در ارتباط با شرق و غرب ایران در مسیر تاریخ داشته است؟ از نام‌آوران تاریخ چه کسانی از این مسیر عبور کرده‌اند؟ راه‌های منتهی به منطقه اسپی کدامند؟ آیا دربند سیستان همان اسپی است؟ و این پژوهش درصدد است این فرضیه را مطرح نماید که دربند سیستان همین منطقه اسپی است که منابع جغرافیای تاریخی به آن اشاره کرده‌اند. پیشینه پژوهش؛ در منابع جغرافیای تاریخی اشاره گذرا بر وجه تسمیه اسپی شده از تحقیقاتی که جدیداً صورت پذیرفته مقاله جغرافیای تاریخی نصرت‌آباد (با تکیه بر موقعیت اقتصادی، سیاسی و نظامی) نوشته ناهید برهوائی و عباس اویسی در مجله پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران است همچنین مقاله اداره بلوچستان از طریق حاکمان کرمان از دوره ناصری تا اوایل پهلوی نوشته مسعود مرادی و دیگران، چاپ بهارستان، دوره دوم، سال پنجم نیز اشاره گذار و مختصر به نصرت‌آباد اسپی دارد. نصرت‌آباد اسپی، امروزه در مسیر جاده زاهدان به بم قرار دارد و با جمعیتی بالغ بر ۶ هزار نفر مرکز بخش نصرت‌آباد می‌باشد در تقسیمات سیاسی فعلی بخش تابعه شهرستان زاهدان محسوب می‌شود. مرکز بخش نصرت‌آباد دارای شهرداری است. این بخش امروزه با ۳۱۲۹۰ کیلومترمربع در شمال غرب زاهدان واقع شده و از طرف شمال به دشت لوت و شهرستان زابل از مشرق به افغانستان و بخش‌های مرکزی و میرجاوه، از جنوب به شهرستان‌های خاش و ایرانشهر و از مغرب به بخش فهرج شهرستان بم محدود می‌شود این بخش بین ارتفاعات غربی کهورک قرار دارد و ناحیه‌ای کوهستانی است. عنوان نصرت‌آباد نامی جدید است که از دوره قاجاریه به این آبادی داده شده است در سال ۱۳۱۰ ش رضاشاه ایل نارویی را در این منطقه مستقر ساخت (سالار بهزادی، ۱۳۷۲:۳۸۴) احمدعلی خان وزیری ذکر می‌کند مرحوم میرزا شفیق تویسرکانی (وزیری، ۱۳۷۰: ۸۰۲) «یک رشته قنات به آن بیافزود و قلعه آبادان کرده قلعه‌ای ساخت و موسوم به نصرت‌آباد نمود و مستحفظ و کوتوال در آن قرار دارد و در

حکمرانی وکیل الملک چند رقبه محکمی بنا فرمود و خان‌ها (خانه‌ها) و انبار بساخت و کوتوال و مستحفظ معین شد.» (وزیری، ۱۳۵۳: ۱۰۵) شرح مفصلی از این قلعه و امکانات موجود در آن را عبدالحسین میرزا فرمانفرما در سفرنامه خود آورده است (فرمانفرما، ۱۳۸۳: ۲۱۱) این منطقه تا دوره قاجار به نام‌های اسپید، سپیت و سپه شناخته می‌شده است تا اینکه در این دوره نصرت‌الدوله فیروز میرزا آنجا را به نام خودش نصرت‌آباد نامید که تا مدت‌ها به هردو نام «نصرت‌آباد اسپبی» خوانده می‌شد و از این دوره به‌مرور نام اسپبی به فراموشی سپرده شد و نصرت‌آباد استفاده گردید. این آبادی در باریک‌ترین نقطه کویر بین کرمان و زرنج کرسی سیستان واقع است و شامل دره‌ای کوچک با دو سه چشمه آب است با اینکه امروزه نصرت‌آباد نامیده می‌شود ولی بلوچ‌ها هنوز آن را (اسپی) و (اسفی) می‌نامند که این اسم با قرائت (اسبید) در کتاب احسن التقاسیم مقدسی که آن را (سنیج) یا (سنیگ) و (سفید) هم نامیده برابری دارد. (لسترنج، ۱۳۶۷: ۳۴۸، ۳۵۱). «قلعه نصرت‌آباد آخر خاک نرمانشیر و اول خاک سرحد است یک خط آن به شوین و حصاران می‌رود، دیگری به شرق شمالی سیر می‌کند و به دزدآب می‌رود از اینجا تا دزداب بیست و پنج فرسنگ و غالبش در کوه و بعضی در جلگه است و ... دزدآب دهنه است، منتهی الیه خاک سرحد و هامون سیستان است» (فرمانفرما، ۱۳۸۳: ۲۱۲).

مقدسی در احسن التقاسیم (مقدسی، ۱۳۶۱: ۷۱۷) و جیهانی در اشکال العالم (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۵۶) از این شهر به عنوان تنها شهر کویر نام می‌برند و لسترنج نیز ضمن تایید این نظر از آن به عنوان تنها شهر کویر نام برده است. (لسترنج، همان: ۳۴۹). قدیمی‌ترین جغرافیای تاریخی که به این شهر اشاره دارد مسالک و ممالک ابن خرداد به است که از این شهر به عنوان (اسبید) نام برده است ابن خرداد به ضمن برشمردن آبادی‌های بین کرمان و سجستان (سیستان) می‌نویسد: «... از نرمانشیر تا فهرج که در کنار صحرای خشک قرار دارد هفت فرسخ است که میان راه آب نیست و این صحرا هفتاد فرسخ است تا سجستان سپس تا چشمه و چاه‌ها هفت فرسخ و تا مناره سه فرسخ و از آنجا تا (اسبید) نه فرسخ و تا کراغان هشت فرسخ است.» (ابن خرداد به، ۱۳۷۱: ۳۹) اصطخری در ذکر راه سیستان به کرمان از این آبادی به نام سنیج نام می‌برد و می‌نویسد: آنگه

سنیج و این سنیج شهری است از نواحی کرمان بر سرحد سیستان، عمر و لیث بنا کردست و این جایگه را قنطره (پل) کرمان می‌خوانند در آنجا هیچ پول نیست. (اصطخری، ۱۳۴۷: ۲۰۰) در جایی دیگر می‌نویسد: بر آن دشت کی دشت بیابان است سوی بم، نما شیر، فهرج، سنیج این شهر در میان بیابان است و از کرمان گسسته است در عمل کرمان باشد. (همان: ۱۴۰) در حدود العالم آمده است: سبه شهری است اندر میان بیابان میان نهله (پهره، فهرج) و سیستان نهاده، و از عمل کرمان است. (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۴۱). این شهر تاریخی را مقدسی به نام‌های سفید و اسفید نامیده و از شهرهای سیستان شمرده و می‌نویسد: در کویر شهری جز (سفید) نیست که آن در مرزهای سیستان است. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۷۱۷) در جایی دیگر می‌نویسد: اسفید در دیوان‌ها از شهرهای سگستان به شمار می‌آید ولی خود در مرزهای کویر است و چند کاریز و کشتزار بسیار و آبادی پرجمعیت دارد و کویر گرد آن را همانند تیما گرفته است جز آنکه اینجا گنبدها و حوض دارد. (همان: ۷۲۹)

ابن حوقل که سفرنامه خود را حدود ده سال قبل از مقدسی تالیف نموده شهر اسپی را جزو شهرهای کرمان محسوب داشته و می‌نویسد: سبیج، ناحیه اخیر در اواسط بیابان و منقطع از مرزهای کرمان است اگر چه بدان منظم گردیده و چون به بیابان فارس بسیار نزدیک است در نقشه چنان تصویر شده است که گویی جزء بیابان است. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۷۴) همان گونه که ملاحظه می‌شود منابع جغرافیایی در خصوص اینکه شهر اسپی جزو کدام ایالت و سرزمین بوده اتفاق نظر ندارند برخی آن را از توابع سیستان و برخی از توابع کرمان نوشته‌اند مسالک و ممالک اصطخری آن را از نواحی کرمان و بر سرحد سیستان (اصطخری، همان: ۲۰۰) ذکر کرده با اینکه به شهر اسپی (در بند سیستان) نام داده‌اند اما اکثر منابع این تنها شهر کویر را از توابع کرمان ذکر کرده‌اند از جمله ابن حوقل (ابن حوقل: ۷۴)، جیهانی (جیهانی: ۱۵۶)، ابن خردادبه (ابن خردادبه: ۳۹) و اصطخری (اصطخری: ۲۰۰) آن را جزو کرمان می‌شناسند و مقدسی (مقدسی: ج ۲: ۷۱۷) آن را جزو مضافات سیستان ذکر کرده است. در برخی منابع مانند حمدالله مستوفی در نزه القلوب (مستوفی، ۱۳۸۱: ۲۰۴) و محمدبن ابراهیم در تاریخ سلاجقه (تیت، جی، پی، ۱۳۶۲: ۶۵) به

نقل از محمد بن ابراهیم). به نظر می‌رسد چون در گذشته این ناحیه پوشیده از نمک بوده است، وجود نمکزار در این ناحیه باعث استفاده از این نام گشته است، آثار نمک در این نواحی تا دوران معاصر نیز مشهود بود (براهویی و اویسی، ۱۳۹۶: ۱۲۶).

اسپی را از توابع سیستان برمی‌شمارند. نام اسپیی در منابع جغرافیای تاریخی به صورت‌های مختلف ذکر شده که عبارت‌اند از: سپی، اسپیی، اسفی، اسفید، اسپید، اسپید، اسپیت، اسپیت، اسفه، اسفه، صفی، سپیی، اسپینج، سینگ، سینک، سانیک، سانج، سنیگ، اسپییج، سپید، سپید، سفید، سبیج، سینج، سپنج، سنیج، سبیج، سپیج، سنیج و سنیج و همانطور که ملاحظه می‌شود صورت‌های گوناگون اسامی برخی از شهرها و آبادی‌ها و اعلام جغرافیایی متفاوت باعث شده یافتن مفهوم اعلام و تلفظ درست و ثبت صحیح آن‌ها با مشکلاتی همراه باشد که این تنوع و گستردگی اسامی و تلفظ گوناگون گواهی بر شهرت کهن و تاریخی و قدیمی بودن این گونه آبادی‌هاست، برخی اسامی آبادی‌ها و معنای آن‌ها روشن نیست و یا در طرز نوشتن تلفظ آن‌ها تردید وجود دارد و معلوم نیست نام اصلی و واقعی چه بوده است این صورت‌های گوناگون ممکن است بر حسب تفاوت زبان و لهجه بوده یا بخاطر سهو کاتب و اشتباه نویسندگان باشد و به خصوص اینکه بسیاری از اعلام جغرافیایی بعد از اسلام تغییر چهره داده و به گونه‌ای دیگر ثبت شده و پس از دوره‌ای متمادی باز نام قدیمی اعتبار خود را باز یافته اما به صورتی جدید تغییر شکل یافته تغییر شکل نام‌ها ممکن است به علت کم‌دانشی نویسنده بوده و یا این که نویسنده آن را از افرادی با لهجه‌های متفاوت شنیده است در خصوص اسپیی نیز این تنوع اسامی وجود دارد اما مساله قابل توجه آن است که در خصوص اسپیی نام‌های ذکر شده همه به آبادی اطلاق گردیده که روزگاری تنها شهر کویر بوده و امروزه نصرت‌آباد اسپیی نامیده می‌شود اسپیی امروزه مرکز بخشی بیش نیست و از مراکز ایل نارویی می‌باشد و اهالی آنجا بیشتر از بلوچ‌های حشم‌دار هستند و از توابع شهر جدید زاهدان محسوب می‌شود امروزه به دلیل وجود طوفان‌های دائمی و همیشگی از آثار باستانی و قدیمی چیز قابل و چشم‌گیر در آن وجود ندارد اما قنات‌های مخروبه باقیمانده‌ای که وجود دارد هنوز نشان از قدمت این شهر دارد البته محلی که امروزه در آن پاسگاه

و ایست بازرسی وجود دارد همان اسپه اصلی است و خرابه‌های نصرت‌آباد یعنی همان قلعه و برج و بارویی که میرزاشفیعی توپسرکانی ساخت و نصرت‌آباد نامیده می‌شد در سه کیلومتری محل فعلی واقع شده، اسپه در حال حاضر نیز موقعیت مهمی دارد گرچه به واسطه نزدیک بودن به شهر جدید زاهدان مرکز استان سیستان و بلوچستان دیگر محل اطراق کاروان‌ها و تجار به شمار نمی‌رود اما هنوز به عنوان دربند و گلوگاه اهمیت نظامی و استراتژیک خود را از دست نداده است اکنون گرچه برای رفتن به بلوچستان از طریق بم و نرماشیر به ریگان و ایرانشهر هم می‌روند اما شاهراه اصلی و راه ورود به دو استان، سیستان و بلوچستان و بلعکس کرمان از اسپه می‌گذرد و هنوز می‌توان آن را یکی از معابر ورود به شبه قاره و هندوستان و ایران مرکزی و غربی دانست.

علت نامگذاری اسپه (وجه تسمیه)

برخی از منابع نام اسپه را به اسفندیار نسبت می‌دهند، در او ستا، اسفندیار (سپنتو داته) و در پهلوی (سپنت دات) آمده که مرکب از دو جزء است: جزء اول (اسپنتو) به معنی مقدس و جزء دوم (داته) از مصدر (دا) به معنی آفریدن جمعاً یعنی آفریده پاک در فروردین یشت، بند ۹۳ این نام به کوهی اطلاق شده که شاید همان کوه سپید باشد که در شاهنامه فردوسی مذکور است و اسپند نام کوهی بوده در شرق ایران، اسدی طوسی می‌گوید:

یکی شهر بد پشت اسپند کوه *** بسی رهنان گشته آنجا گروه

بنابر این نظر می‌توان معانی مختلفی را برای اسفند به دست آورد که یک معنی آن سپید است و اشاره به کوه سفیدی است که در سیستان (منظور سیستان تاریخی است نه سیستان کنونی ایران) بوده و در شاهنامه مذکور است و آن اسپنتو داته بوده است و قابل توجه این که اسفند شعبه‌ای از طایفه‌ای در ناحیه سراوان است که از طوایف کرمان و بلوچستان بوده است و براساس گزارش مسعود کیهان در جغرافیای سیاسی مرکب از پنج‌جاه خانوار بوده‌اند. (دهخدا، ج ۶: ۲۳۲۸) شهر اسپه در منابع جغرافیای تاریخی به صورت سفید، اسفید، سبید، اسپید (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۷۱۷)، اسپید (ابن خردادبه: ۱۳۷۱: ۳۹) نیز ثبت شده است که امروزه آبادی‌ها، کوه‌ها

و رودهای بسیاری در کرمان و بلوچستان به صورت ترکیبی از این واژه‌ها باقی مانده است از جمله می‌توان از اسپیدز که رودی در ایرانشهر است (جعفری، ۱۳۶۷: ۱۰۷) و کل اسپید روستایی از توابع دهستان گوهر کوه خاش، اسپیدین روستایی از توابع دهستان آشار شهرستان سراوان (افشار سیستانی، ۱۳۶۳: ۳۸۴ و ۴۱۰) و قلعه‌های اسپیدژ و قلعه اسپدژ بخش بزمان ایرانشهر نام برد. از آنجا که کلمه اسپیی به معنای سفید است، اتخاذ این کلمه از اسفند و انتساب آن به اسفندیار بعید نمی‌نماید و این نام با شهر اسپیی منطبق است و وجود طایفه‌ای در کرمان و بلوچستان تحت عنوان اسفنده، نشانگر آن است که خاستگاه این طایفه ناحیه‌ای بین کرمان و بلوچستان یعنی اسپیی یا اسفنده بوده است یعنی محل کوه سفید. پس اسپیی یعنی محل کوه سفید و محل اسفند و اسپیی به معنای سفید است. مولف جغرافیای سیاسی کیهان می‌نویسد: اسفنده شعبه‌ای است از طایفه‌ای در ناحیه سراوان از طوایف کرمان و بلوچستان مرکب از ۵۰ خانوار (کیهان، ۱۳۱۱: ۹۷) اسفند آخرین روستای سیستان و بلوچستان در مرز غربی است و چون آخرین ماه سال اسفند بود ه به این روستا اسفند گفته شده است، این روستا از شمال به جلگه‌ها شم از طرف شرق به روستای مدانچ از طرف غرب به استان کرمان و از طرف جنوب به روستای کتیج محدود می‌باشد. شکل‌ها و صورت‌های مختلفی برای اسپیی در منابع ذکر شده که در بخش‌های قبلی بیان شد. در زبان‌ها و لهجه‌های مختلف کلمه سفید یا سپید و اسفید به صورت گوناگونی بیان و تلفظ می‌شود که آشنایی با آن‌ها علت نام‌گذاری نام اسپیی و نزدیک بودن معنای آن به کلمه سپید را روشن‌تر می‌سازد سفید یا سپیی در اوستا «سپیتا» در پهلوی، سپتدر «جنوب غرب ایران»، «سنتا»، از کلمه «ست» ارمنی و در زبان ارمنی «سپیتاک»، در زبان کردی، «سپیی»، در افغانی «اسپین»، و به لهجه بلوچی «اسپت» و «سپیت»، و در لهجه سریکلی، «سپید و به سنگلچی «ایسپد»، به زبان شقنی «سوفد»، به منجی، «سویی» به فریزندی، «اٲسپیچ»، به یرنی، «اٲیسه»، به نطنزی، اٲیسی» به سممانی «اسپی» به سنگسری، «اٲسبی» به سرخه‌ای، «اٲسبی» به لا سگردی، «ایسبی»، به شه‌میرزادی، اٲسبه» دزفولی «اسبد» گمشجه‌ای، «اسبه» ذکر شده است. (خلف تبریزی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۰۹۳)

در نواحی از خراسان از جمله تربت حیدریه این واژه به صورت سفید «سِفِد» و «سِفِد» تلفظ می‌گردد، چنانچه دقت می‌شود این تلفظها از کلمه سفید به نحوی در مورد شهر اسپه در منابع با اندک تغییراتی ذکر شده که نشانگر آن است که عنوان شهر اسپه از کلمه سفید گرفته شده است. در این خصوص در کتاب ایران‌شهر بر مبنای گزارش موسی خورنی آمده است: اسپت (spet) به زبان پهلوی اسپیت (سفید) است که در سر راه نرماشیر (نهرمز اردشیر) در کرمان به سمت زرنج و در وسط صحرا قرار دارد ... (سپیج) یا (سپیج) شاید شکل جانبی لهجه (اسپید) باشد که مانند زبان خوارزمی تغییر حرف (ت) به (چ) است. سپنج را ممکن است بتوان با کلمه افغانی (اسپین) و کلمه پهلوی (اسپیک) (سفید) و کردی (اسپیندار) که برابر لغت (اسپیندار) درخت تبریزی سفید فارسی نو است، مقایسه کرد. محل نامبرده مابین کراقان (گراغه یا کراگه) و گرگ در نزدیکی نصرت‌آباد کنونی قرار داشته جدا از ناحیه کرمان بوده اگر چه جزیی از آن محسوب می‌شد. (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۷۹). با این فرض می‌توان علت نامگذاری اسپه را مترادف با اسپت (سپت) پهلوی دانست که به معنای سفید یا سفیداست و مهم‌تر آنکه بلوچ‌ها برای واژه سفید، اسپت (اسپیت) را بکار می‌برند. (دهخدا، ج ۲۸: ۲۸۵) وجه دیگری نیز در خصوص نامگذاری اسپه ذکر شده و نوشته‌اند در زمان هخامنشیان در منطقه شرقی و دشت لوت و در جنوب سیستان و مغرب آرا خوزیا، اقوامی به نام (آریا سپه) زندگی می‌کردند، آریا سپه در ریشه اوستایی (اگراسپه) است و اگر به معنی راننده اسب توانا می‌باشد، این قوم در جنگ‌های مشرق زمین به کوروش کمک‌های شایان نمودند و مورد التفات کوروش بودند که لقب اورگت (Euergatae) یعنی یاری دهنده را گرفتند آریان مورخ یونانی می‌نویسد: این قوم به واسطه کمک فراوان به کوروش در دربار هخامنشیان احترام و اعتباری یافتند و در ولایت خود یک نوع خود مختاری به دست آوردند.

دیودورس یونانی به جای کلمه آریا سپه لفظ ارما سپه (Armaspi) را ضبط کرده است که به گفته او اسکندر نیز آن‌ها را گرامی داشت و پس از گشودن ولایت آن‌ها از آن چشم پوشید، وی محل طایفه آریا سپه را معلوم کرده که در جنوب درنگیانا (سیستان کنونی) نزدیک به حدود گدروزیه (وزیری، ۱۳۷۰: ۲۵۳) بوده است. مورخین یونانی در مورد لشکر کشی اسکندر نوشته‌اند،

از درنگیانا گذشته و به زمین آریا سپی رسید و از آنجا به «ارکوشیه» رفت و در آنجا روسای تیره آریا سپی به خدمت او رسیدند. بنابر روایت استرابو سردار اسکندر (به نام کراتروس) برای وصول به کرمان به آرا خوتی یا آرا خوزی یا آرا کوشیه وارد گشته واز آنجا به کرمان آمده است (آریان، ۱۹۹۱، ص ۸۶)، پس کراتروس هم باید از سرزمین اقوام آریا سپی گذشته باشد. سایکس می‌نویسد: «میان نرماشیر و سیستان بیابانی است که نگارنده در سال آن را پیموده و چون رشته جبالی این بیابان را تقاطع می‌کند و فقط یک گذار به معاذی اسپیی (نصرت‌آباد حالیه) واقع شده لذا منجزاً می‌توان گفت که همین گذار معبر گراتروس بوده» (سایکس، ۱۳۶۳: ۲۰۵).

مورخین یونانی از قوم آریا اسپیی تمجید فراوان نموده‌اند و آن‌ها را نمونه‌ای از طوایف کامل مترقی و منزه دانسته‌اند، راستگویی، بردباری، قناعت و دلیری و بی‌آزاری و همراهی از صفات خجسته آن‌ها به شمار رفته، با این‌که برخی از محققان سعی دارند منطقه اسکان این قوم را با نواحی زرننگ یا زرنگیانا تطبیق دهند، اما با توجه به نام‌های روستاها، آبادی‌ها و حتی رودها و کوه‌هایی که در بلوچستان شمالی و مرکزی خصوصاً نواحی غربی ایرانشهر (پهره) تا بزمان و به طرف شهرستان بم وجود دارد می‌توان گفت منطقه استقرار اقوام آریا سپی سرزمینی بوده که از سیستان جنوبی در پیچ بزرگ رود هیرمند و گودزره آغاز می‌شده و به سمت غرب نواحی ملک سیاه کوه و شهرهای خاش، سراوان، ایرانشهر و بزمان و نصرت‌آباد را در حاشیه لوت در بر می‌گرفته و با این حساب ارتفاعات شرقی لوت در شمال جزء زرننگ و در جنوب جزء آریا سپیان محسوب می‌شده است (مستوفی، ۱۳۵۱: ۳۲) و می‌توان گفت اطلاق عنوان اسپیی (اسفی) به نصرت‌آباد کنونی و وجود نام‌های بسیاری مانند: اسپه، اسپه دز، اسپه تکان، اسپتکی، اسپه چان (سپیجان)، سپی کار و غیره در بلوچستان نشان دهنده وجود این قوم در منطقه شمالی بلوچستان بوده است اسپتکی از توابع نسکند ایرانشهر، اسپه از توابع ایرندگان، کل اسپیدچاپهار، اسپه کار از توابع سرباز شهرستان ایرانشهر اسپیجان (اسپیجان) از دهستان فنوج ایرانشهر می‌باشند. (افشار سیستانی، ۱۳۶۳: ۳۰۹، ۳۸۴) اسپه را جیهانی در اشکال‌العالم به نام (سینج) ثبت نموده و بیان می‌کند: «... و در این بیابان ده‌هاست، اما هیچ شهر ندانم جز سینج، از عمل کرمان بر راه سیستان

و جمله گرداگرد آن بیابان ... اما راه سیستان به کرمان از نرماشیر تا سینج پنج روز راه و از آنجا تا سیستان هفت روز راه است ...» (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۵۶ و ۱۵۹) در بلوچستان اسم‌هایی وجود دارد که ترکیب و شکلی از کلمه (سینج) است به عنوان مثال: سینج سفید که نام کوهی در دهستان دلگان از توابع ایرانشهر می‌باشد که در ۱۶۳ کیلومتر شمال غربی این شهر واقع است و ۱۳۰۸ متر ارتفاع دارد. (جعفری، ۱۳۶۷: ۳۴۹)

ابن حوقل و اصطخری اسپي را به صورت (سپنج) ذکر کرده و مقدسی (سبنج) ضبط کرده است که سپنج به معنای عاریتی، موقتی و خانه موقت و خانه‌ای که پالیزبانان و دشتبانان در پالیز و غله زار از چوب و علف سازند و به معنی محل اسکان موقت کاروان و قافله ذکر شده که به تعبیری این نام برای علت نامگذاری اسپي می‌تواند صحیح باشد چرا که اسپي به عنوان تنها شهر کویر محل توقف کاروان‌هایی بوده که از ایران مرکزی به سوی سیستان و شبه قاره هند و بر عکس در رفت و آمد بوده‌اند و برای استراحت و تامین آب و آذوقه و مایحتاج در آنجا موقتاً سکونت اختیار می‌کردند. در برهان قاطع (خلف تبریزی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۰۹۰) و فرهنگ جهانگیری (سپنج) به معنای رهگذر و کاروان سرا و چراگاه جانوران است که در آن آب و علف بسیار باشد که با توجه به قرار گرفتن اسپي در منطقه در بند کرمان به سیستان و مدخل ورود به لوت جنوبی این معنا نیز می‌تواند مورد قبول باشد چرا که این ناحیه محل استراحت کاروان‌ها بوده است. در احسن التقاسیم و مسالک و ممالک اسپي به صورت (سینج) ضبط شده که به معنای چراغ است که این معنا نیز جای تامل دارد، زیرا که چراغ به معنی هدایت کننده نشان دهنده راه ورهبر و راهنما است و این احتمال وجود دارد که از آنجایی که اسپي (سینج) در مسیر راه قرار داشته و راه را به قافله‌ها و کاروان‌ها نشان می‌داده به این نام خوانده شده و یا در این آبادی از نمونه میل‌های ساسانی که بر فراز آن برای نشان دادن راه آتش می‌افروختند وجود داشته است و اعراب آنجا را سینج نامیده‌اند که به معنی چراغ است میل‌های ساسانی در نزدیکی بلوچ آب نیز دیده می‌شود که برای نمایاندن انشعاب راه حاشیه لوت به طرف سیستان و بلوچستان در دوره ساسانی به وجود آمده‌اند نمونه این میل‌ها به نام میل قاورد یا میل نادری هنوز در این مسیر دیده می‌شود.

اهمیت تاریخی و جغرافیایی اسپبی

آبادی اسپبی در بزرگ راه شرق و بعد از تنگه معروف سیستان یا در بند قرار گرفته است که از لحاظ ارتباط در دنیای قدیم معبر با اهمیتی بوده است. این بزرگ راه در گذشته به نام راه کرمان به سیستان شهرت داشته و درازای آن بین فهرج و زاهدان ۳۳۶ کیلومتر است اهمیت بازرگانی این راه را در دنیای قدیم نباید از نظر دور داشت چرا که کرمان را به سیستان و بلوچستان و سند و هند متصل می‌ساخت کمتر راهی در ایران سابقه دراز تاریخی مانند این راه داشته و شاید هیچ راهی از لحاظ مسیر در بیست و پنج قرن زندگی و حتی بیشتر به این میزان ثابت نمانده باشد و تا آنجا که تاریخ ضبط نموده و آثار باستان شناسی حکایت دارند ارتباط ایران داخلی با سند و هند از این طریق بوده است. نخستین حکمران سلجوقی کرمان در قرن دوازدهم میلادی به نام قاورد شاه کوشش نمود در راه تجارتي سیستان و بم دره‌ای به نام دربند نادری موجود مرز آن سوی سیستان به حساب می‌آمد را ترمیم کند و قاوردشاه برای حفاظت شترهای باری و ایجاد تسهیلات در رفت و آمد کاروانسراها، پاسگاه‌هایی بنا نمود و برای استراحت و سهولت کار مسافرین چاه‌ها و کاریزها حفر نمود و علائمی به صورت مناره‌های بلند ساخت تا راهنمای مسیر کاروان باشد و نیز برای آنکه در تاریکی شب و هوای نامساعد دچار گمراهی نشوند ستون‌های سنگ و خشت بنا نمود و ... در دره مزبور وی در سنگین در ست کرد و برای حفظ و حراست آن یک فوج نگهبان گمارد تا راهزنان نتوانند دستبرد بزنند این در راه بند سیستان می‌گفتند» (تیت، جی، پی، ۱۳۶۲: ۶۵) تیت در زیر نویس از قول محمد بن ابراهیم در تاریخ سلاجقه می‌نویسد: در جاده سیستان در دربند قاورد چهار فرسخی اسپس یک دروازه آهنی ساخته و جماعتی به حفاظت از آن مامور شده‌اند (همان). این خردادبه از اسپب در زمره شهرهایی که بر سر راه شیراز تا کرمان و سجستان قرار دارد نام می‌برد و می‌نویسد: از نما شیر تا فهرج ۷ فرسخ تا چشمه‌ها و چاه‌ها ۷ فرسخ تا مناره ۳ فرسخ تا رباط بعیده ۷ فرسخ تا اسپب ۹ فرسخ تا کراغان ۸ فرسخ تا بئر قاضی ۸ فرسخ تا راشد ۶ فرسخ تا کاونیشک ۴ فرسخ تا بردین ۴ فرسخ تا جارون ۸ فرسخ تا سجستان ۶ فرسخ. (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۳۹) اصطخری نیز در توصیف راه سیستان به مکران و فارس از سنج (اسپی) به

عنوان قنطره (پل) کرمان یعنی محل اتصال کرمان به سیستان نام می‌برد. (اصطخری، ۱۳۴۷: ۲۰۰). حمدالله مستوفی در ذکره بقاع منازحه ما بین کرمان و قهستان می‌نویسد: سفید به حدود سیستان است (مستوفی، ۱۳۸۱: ۲۰۴)

در دنیای قدیم بر سر راه کرمان به منطقه سیستان تنها راه موجود راه اسپه بود و در این مسیر تنها شهر موجود اسپه (نصرت‌آباد امروزی) بود گرچه ابن خردادبه، به نام جاها دیگری در این مسیر اشاره دارد، اما این محل‌ها در آن زمان رباط و حوض و چاه آب و میل راهنما بوده است و تنها روستایی که امروزه نیز بین اسپه و زاهدان وجود دارد و ابن خردادبه از آن نام برده روستای کروغان (کراغان) است که اصطخری از آن به عنوان رباط کروغان نام می‌برد. بنابراین آن آبادی نیز رباط بوده و روستا نبوده است. گرچه در نوشته‌های جغرافی نویسان اسلامی توصیفی کوتاه درباره اسپه آمده است ولی ارتباط کرمان با سیستان از دوران ماقبل تاریخ تاکنون همیشه از این معبر بوده و از جانب کرمان پس از پهره (فهرج) آخرین محل دارای آب در کنار بیابان بزرگ گرگ بوده است بنابراین اسپه از مراکز قدیم مسکونی در این ناحیه و تنها شهر کویر بوده است. همانطور که ذکر شد، اسپه از شهرهای بسیار قدیمی ایران بوده و در آثار جغرافیایی و تاریخی به آن اشاره شده است این تنها شهر بر کرانه کویر با وجود مشکلات طبیعی بسیاری که داشته حوادث تاریخی بزرگی را پشت سر گذاشته و مردان بزرگی را دیده است سفر سیروس (کوروش) به سند از این ناحیه صورت گرفته و این راه ارتباط دهنده امپراطوری هخامنشی با ولایت شرقی در زرنگ تا سند بوده است.

سایکس می‌نویسد: این ایالات بیابانی چنانکه در کتاب هرودوت ذکر شده جزو شهربانی هفدهم داریوش بوده و آن پادشاه بزرگ گویا هیپتا هند و یا پنجاب را از طریق هندوستان تسخیر نموده است یک فروند کشتی این پادشاه تحت فرمان دریا سالار یونانی خود موسوم به سیلاکس بدون ابراز کوچک‌ترین هراس از سند عبور و سواحل گدروسیا (بلوچستان کنونی) و عربستان را کشف نمود (سایکس، ۱۳۶۳: ۱۲۳، دانشور، ۱۳۵۵: ۵). مسافرت کراتروس سردار اسکندر از طریق (دربند سیستان) یا در بنداسپی صورت گرفت چرا که وی پس از طی طریق که منجر به تلفاتی به

نیروهایش بر اثر تشنگی شد از همین راه عبور نمود و در نهایت به پورا (Pura) فهرج کرمان رسید. (اصطخری، ۱۳۴۷: ۲۰۰) در دوره ساسانی احتمالاً نبردهای اردشیر با سگزیان و رفتن وی به سیستان از همین مسیر بوده است و مسلمین نیز پس از فتح کرمان از این راه به تسخیر سیستان رفتند. در دوران پس از اسلام نیز برخی لشکرهایی که به قصد هند و بلوچستان عازم شدند از اسپه گذشتند و محمود افغان نیز از همین راه عازم اصفهان گردید، زمانی اهمیت تاریخی و جغرافیایی شهر اسپه بیشتر مشخص می شود که توجه شود بهترین و کوتاه ترین راه برای رسیدن به سیستان و بلوچستان از جانب کرمان راهی است که از اسپه می گذرد که ناهمواری های موجود در شرق ایران از قبیل دشت لوت باعث می گردد راه اسپه که به نام دریند سیستان و دریند نادر و دریند قاورد نامیده می شود (نادر و قاورد برای رسیدن به سیستان و بلوچستان از این دریند گذشتند) بهترین راه برای رسیدن به سیستان باشد. (تیت، جی، پی، ۱۳۶۲: ۶۵) البته از راه شمالی لوت از طریق نه (نهیندان) که در بند شمالی سیستان نامیده می شد هم راهی وجود داشته ولی این راه بسیار طولانی و از نظر طبیعی نامساعد بوده است، یک سلسله کوه های شمالی جنوبی از کوه شاه در شمال شرقی ده سلم تا کوه های بم در جنوب شرقی ایران موجود است که به صورت سدی بین شرق و غرب کشیده شده اند که دارای معابر و گذرگاه هایی نیز هستند ولی گذرگاه ها در جاهایی وجود دارد که در اطراف آن ناهمواری های بسیاری موجود است و مسیر را طولانی می نماید بنابراین تنها گذرگاه مساعد و بریدگی مناسب همان است که در شمال ارتفاعات اسپه موجود است و در آنجا بلندی کوه زیاد نیست و درازی گردنه نیز ناچیز است و این گذرگاه همان معبر قدیمی است که اهمیت جغرافیایی و تاریخی دارد و مورد نظر جغرافی نویسان قدیم بوده است راه اسپه تنها راه معمور داخل لوت از غرب به شرق بوده و به نظر می رسد از زمان بس کهن این راه وجود داشته است این راه مورد استفاده تجار و قوافل بوده کرمان و یزد به واسطه شرایط طبیعی هیچگاه غله کافی نداشتند و نان این ایالات از سیستان تأمین می گردید که قوافل شتر از راه های جنوبی لوت (راه اسپه) گندم را به کرمان می رساندند و در عوض خرماي نواحی گرمسیر را به سیستان حمل می کردند مواد غذایی و دارویی هند و مکران در کرمان و یزد و

اصفهان و فارس بسیار پرارزش بودند، حنا و روناس و نیل از فارس، نی شکر از مکران و سند صادر می‌شد. مرکز عمده پارچه بافی منطقه بم بوده که پارچه‌های ابریشمی و کرباس و پارچه عمامه آنجا شهرت داشته، بازار تجاری بین شرق و غرب بسیار رونق داشته و راههای شمالی و جنوبی لوت از جمله راه اسپه کرمان و مکران و سیستان و شبه قاره را به یکدیگر متصل می‌ساخت.

صورت‌های مختلف نام اسپه در منابع جغرافیای تاریخی

ردیف	نام	لاتین	نام کتاب	ردیف	نام	لاتین	نام کتاب
۱	سینج	Senij	احسن التقاسیم	۲۴	سینج	Sepiz	جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی
۲	اسبیج	Esbej	اشکال العالم	۲۵	سینک	Sink	جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی
۳	سبیج	Sebij	صورة الارض	۲۶	سینگ	Saing	تاریخ کمبریج
۴	اسپت	Espet	ایرانشهر، موسی خورنی	۲۷	سبیج	Sebij	جهان نامه
۵	اسپیت	Espit	ایرانشهر، موسی خورنی	۲۸	سینج	Senij	مسالك و ممالک (ابن خرداد به)
۶	اسبیز	Esbiz	مسالك و ممالک (ابن خرداد به)	۲۹	سینج	Se-nih	معجم البلدان
۷	سبید	Sabid	احسن التقاسیم	۳۰	سپنج	Se-panj	صورة الارض
۸	اسفید	Esfid	احسن التقاسیم	۳۱	سبیخ	Se - bikh	جهان نامه
۹	سفید	Sefid	احسن التقاسیم	۳۲	سبیج	Sebij	جهان نامه
۱۰	سپنج	Se-panj	مسالك و ممالک (ابن خرداد به) و صورة الارض	۳۳	اسپنج	Asspech	باستان شناسی و تاریخ بلوچستان
۱۱	سبیج	Sebij	مسالك و ممالک (ابن خرداد به)	۳۴	صفی	Safi	جغرافیای شهداد
۱۲	سینج	Se-nih	معجم البلدان	۳۵	اصفه	Esfe	جغرافیای شهداد
۱۳	سینج	Senij	لیاب الالیاب	۳۶	اسپینج	Espinj	جغرافیای شهداد
۱۴	سبیج	Sepij	ایرانشهر، موسی خورنی	۳۷	سانج	Sanje	جغرافیای شهداد

جغرافیای شهداد	Aespiz	اسپید	۳۸	ایران شهر، موسی خورنی	Sepich	سپیچ	۱۵
جغرافیای شهداد	Sanik	سانیک	۳۹	ایران شهر، موسی خورنی	Se-panj	سپنج	۱۶
تاریخ کمرج، ج ۳	Esped	اسپید	۴۰	حدود العالم	Sebe	سبه	۱۷
مهاجمان سرحد	Sippi	سپیپی	۴۱	جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی	Sanig	سنیگ	۱۸
جغرافیای شهداد	Sepi	سپی	۴۲	احسن التقاسیم	Sefid	سفید	۱۹
تاریخ کمرج، ج ۳	esfeh	اسفه	۴۳	جغرافیای کرمان (احمد علی خان وزیری)	Espehkeh	اسپهکه	۲۰
احسن التقاسیم	Sebanj	سبنج	۴۴	جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی	Ispi	اسپی	۲۱
احسن التقاسیم	Sepid	سپید	۴۵	جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی	Esfi	اسفی	۲۲
جغرافیای شهداد	Isbi	اسبی	۴۶	جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی	Esbid	اسبید	۲۳

نتایج تحقیق

نصرت آباد اسپبی یکی از آبادی‌هایی بوده که روزگاری رونق بسیاری داشت و محل عبور و مرور کاروان‌ها به حساب می‌آمد و از آنجا که ایران مرکزی را به سرزمین‌های شرقی متصل می‌کرد به نام دربند سیستان نامیده شده است، این شهر که تنها شهر کویر نامیده می‌شد دستخوش تغییرات بسیاری گردیده و نام آن نیز در گذر زمان تغییر نموده است. موقعیت جغرافیایی نصرت آباد به عنوان تنها آبادی میان کویر کرمان و سیستان موجب اهمیت آن شده است. وجود قنات و کشاورزی در مسافت طولانی کویر لوت، نصرت آباد را بعنوان مهم‌ترین اسکان بین راه برای مسافران و کاروان‌های تجاری که از غرب به شرق و سیستان تا هندوستان به تجارت مشغول بودند، تبدیل نمود. نصرت آباد اسپبی بدلیل واقع شدن در مسیر مواصلاتی و

راه‌های بازرگانی شرق به غرب و بالعکس، از اهمیت سوق‌الجیشی و بازرگانی فوق‌العاده در دوره‌های مختلف تاریخی (به ویژه در اعصاری که هنوز صنعت هوایی به بهره‌برداری نرسیده بود)، برخوردار بوده است. اگرچه در ادوار تاریخی نام نصرت‌آباد نیز دستخوش تغییرات زیادی گردید اما این تغییرات به گونه‌ای است که می‌توان با مطالعه جغرافیای تاریخی و متن تاریخ‌های محلی و با کمک تحقیقات توپونومی به نام حقیقی آن رسیده. در آثار مورخان و جغرافی‌دانان قدیم از این شهر با عناوین مختلفی از جمله: اسپید، اسپه، اسفی، سپه، سنیج نام برده شده است. در این تحقیق ضمن تبیین اهمیت و راهبردی فوق‌العاده نصرت‌آباد از منظر تجاری، نظامی و ارتباطی دلایل و فرایند تغییرات نام و اسم آبادی مورد بررسی قرار گرفته است.

فهرست منابع و مطالعات

- ابن حوقل، محمد بن علی (۱۳۶۶) صوره الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران، امیرکبیر.
- ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله بن عبد الله (۱۳۷۱) مسالک و ممالک، ترجمه سعید خاکرند، تهران موسسه مطالعات و انتشارات میراث ملل.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۹) ریشه شناسی (اتیمولوژی) تهران، جلد ۴، انتشارات ققنوس.
- آریان (۱۹۹۱) در باره عبور اسکندر از گذارزیا، مجله شوهاز، شماره ۲ و ۳، انجمن تحقیقی و فرهنگی بلوچ، لندن.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم بن محمد الفارسی (۱۳۴۷)، مسالک و ممالک، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۶۳) نگاهی به سیستان و بلوچستان، تهران، چاپ خضری چاپخانه هما.
- براهویی، ناهید و اویسی، عباس (۱۳۹۶)، جغرافیای تاریخی نصرت‌آباد (با تکیه بر موقعیت اقتصادی، سیاسی و نظامی)، پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران سال ششم، شماره ۲، پیاپی ۱۲ (صفحات ۱۳۴-۱۲۳)
- تیت، جی، پی (۱۳۶۲) سیستان به اهتمام غلامعلی رئیس‌الذاکرین، انتشارات اداره حفظ و احیاء میراث فرهنگی، اداره کل ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان.
- جعفری، عباس (۱۳۶۷) گیتی‌شناسی ایران ج ۲، ردها و روزنامه ایران، تهران، سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- جعفری، عباس (۱۳۶۸) گیتاشناسی ایران، ج ۱، کوه‌ها و کوه‌نامه ایران، تهران، سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد (۱۳۶۸) اشکال العالم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، مشهد، شرکت به نشر.

- حدود العالم من المشرق الی المغرب (۱۳۶۲)، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، چاپ ظهوری.
- خلف تبریزی، محمدحسین (۱۳۶۲) برهان قاطع، ج ۶۲، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- دانشور، رضا (۱۳۵۵) درآمدی بر تاریخ بلوچستان، نشریه شماره ۱۵، سازمان برنامه و بودجه، مرکز پژوهش‌های خلیج فارس و دریای عمان.
- دهخدا، لغت‌نامه، ج ۶
- رزم‌آرا، علی (۱۳۲۰) جغرافیای نظامی ایران (مکران) تهران، چاپ ارتش.
- سید سجادی، سید منصور (۱۳۷۴) باستان‌شناسی و تاریخ بلوچستان، ج ۲، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، تهران.
- عضد الدوله (انجو شیرازی)، میر جمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن (۱۳۵۹) فرهنگ جهانگیری، ویراسته رحیم عقیقی، جلد سوم، شماره ۵۰ انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- فرمانفرما، عبدالحسین میرزا (۱۳۸۳) مسافرت نامه کرمان و بلوچستان، به کوشش ایرج افشار، تهران انتشارات اساطیر.
- کیهان، مسعود (۱۳۱۱) جغرافیای مفصل ایران (جلد دوم جغرافیای سیاسی) بی ناشر، بی‌جا.
- لسترینج، (۱۳۶۷) جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، چاپ سوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مارکوارت، یوزف (۱۳۷۳) ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، مریم میراحمدی، تهران، انتشارات اطلاعات.
- مرادی، مسعود، وزین افضل، مهدی و صاحبکاران، معصومه (۱۳۹۲) اداره بلوچستان از طریق حاکمان کرمان (از دوره ناصری تا اوایل پهلوی) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پیام بهارستان، د ۲، س ۵، ش ۱۹.
- مستوفی، احمد (۱۳۵۱) شهداد و جغرافیای تاریخی دشت لوت، تهران، موسسه جغرافیای دانشگاه تهران.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۸۱) نزهه القلوب، به تصحیح محمد دبیر سیاقی، نشر حدیث امروز.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱) احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ج ۲، تصحیح دکتر علینقی منزوی، تهران، شرکت مولفان و مترجمان ایران.
- وزیری، احمدعلی خان (۱۳۵۳) جغرافیای کرمان، تصحیح ابراهیم باستانی پاریزی، تهران، ابن‌سینا.
- وزیری، احمدعلی خان (۱۳۷۰) تاریخ کرمان، تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران، انتشارات علمی.

References

Arian (۱۹۹۱) on Alexander's passage through Godarzia, Shohaz Magazine, Nos. ۲ and ۳, Baluch Research and Cultural Association, London.

Ibn Khordadbeh, Abolghasem Obaidullah bin Abdullah (۱۳۷۱) Kitabul Masalik wal Mamalik, translated by Saeed Khakrand, Tehran Institute of Studies and Publications of Heritage of Nations.

Ibn Hawql, Mohammad Ibn Ali (۱۳۶۶) Şūrat al-'Arḍ, translated by Jafar Shaar, Tehran, Amirkabir.

Abolghasemi, Mohsen (۲۰۱۰) Etymology of Tehran, Volume ۴, Phoenix Publications.

Istakhri, Abu Ishaq Ibrahim Ibn Mohammad Al-Farsi (۱۳۴۷), Masālik al-Mamālik, by Iraj Afshar, Tehran, Book Translation and Publishing Company.

Brahui, Nahid and Osi Kikha, Abbas (۲۰۱۷), Historical Geography of Nusratabad (Based on Economic, Political and Military Situation), Journal of Local Histories of Iran, Year ۶, Issue ۲, Consecutive ۱۲ (Pages ۱۳۴-۱۲۳)

Tate, G., P. (۱۳۶۲) Sistan by Gholam Ali Ra'is al-Dhakermi, Publications of the Cultural Heritage Preservation and Revival Office, General Office of Islamic Guidance of Sistan and Baluchestan.

Afshar Sistani, Iraj (۱۳۶۳) A Look at Sistan and Baluchestan, Tehran, Khazraei Printing Homa Printing House.

Jafari, Abbas (۱۹۸۸) Iranian Geologist C۲, Rivers and Rivers of Iran, Tehran, Geographical and Catalog of Geology,

Jafari, Abbas (۱۹۸۹) Iranian Geology, Vol. ۱, Mountains and Kuhnameh of Iran, Tehran, Geographical and Cartographic Organization of Geology.

Ceyhani, Abu al-Qasim ibn Ahmad (۱۳۶۸) Ashkal-al-Alam, translated by Ali ibn Abd al-Salam Katib, Mashhad, Company for publication.

Razmara, Ali (۱۳۲۰) Military Geography of Iran (Makran) Tehran, Army Press.

Daneshvar, Reza (۱۹۷۶) An Introduction to the History of Balochistan, Journal No. ۱۵, Program and Budget Organization, Persian Gulf and Oman Sea Research Center.

Dekhoda, Dictionary, Vol.

Seyed Sajjadi, Seyed Mansour (۱۳۷۴) Archeology and History of Balochistan, Volume ۲, Cultural Heritage Organization Publications, Tehran.

Farmanfarma, Abdolhossein Mirza (۲۰۰۴) Travelogue of Kerman and Baluchistan, by Iraj Afshar, Tehran Asatir Publications.

Kayhan, Massoud (۱۳۱۱) Detailed Geography of Iran (Volume II of Political Geography) Unpublished, out of place.

Lestering, (۱۹۸۸) Historical Geography of the Eastern Caliphate, translated by Mahmoud Erfan, Tehran, third edition, Scientific and Cultural Publishing Company.

Marquardt, Yousef (۱۳۷۳) Iranshahr based on the geography of Musa Khorni, Maryam Mirahmadi, Tehran, Information Publications.

Mohammad Hussein Ibn Khalaf Tabrizi (۱۳۶۲) Borhan Qate, vol. ۶۲, Tehran, Amir Kabir Publications.

Mostofi, Ahmad (۱۳۰۱) Shahdad and the historical geography of Lut plain, Tehran, Institute of Geography, University of Tehran.

Mostofi, Hamdallah (۲۰۰۲) Nozha al-Qulub, edited by Mohammad Dabir Siyaghi, Hadith Today.

Moghaddasi, Abu Abdullah Mohammad Ibn Ahmad, (۱۳۶۱) Ahsan al-Taqasim fi Maarefa al-Aqalim, vol. ۲, edited by Dr. Alinaghi Manzavi, Tehran, Iranian Authors and Translators Company

Anonymous author, (۱۳۶۲) Hudood al-Alam from the East to the West, by the efforts of Manouchehr Sotoudeh, Tehran, published edition.

Moradi, Massoud, Vazin Afzal, Mehdi and Sahebkar, Masoumeh (۲۰۱۳) Administration of Baluchistan through the rulers of Kerman (from the Nasiri period to the early Pahlavi) Institute of Humanities and Cultural Studies, Payam Baharestan, Volume ۲, Issue ۰, Issue ۱۹.

Azdoldoleh (Anjo Shirazi), Mir Jamaldin Hussein Ibn Fakhreddin Hassan (۱۹۸۰) Farhang Jahangiri, edited by Rahim Afifi, Volume ۳, Number ۰۰, Ferdowsi University of Mashhad.

Vaziri, Ahmad Ali Khan (۱۹۹۱) History of Kerman, edited by Mohammad Ibrahim Bastani Parizi, Tehran, Scientific Publications.

Vaziri, Ahmad Ali Khan (۱۳۰۳) Geography of Kerman, edited by Ibrahim Bastani Parizi, Tehran, Ibn Sina.